

# مقررات قانونی

دکتر حسن ستوده تهرانی  
استاد دانشگاه و وکیل دادگستری

بحث مختصری

درباره

متن اصلاحی قانون تجارت

راجع به

شرکت سهامی

در پایان سال ۱۳۴۷ کمیسیون خاص مشترک مجلسین متن اصلاحی قانون تجارت را که فقط مربوط است بشرکتهای سهامی در ماده ۳۰۰ تصویب نمود.

اصلاحات قانون تجارت مدتهای مدیدی در کمیسیونهای مختلفی که در وزارت دادگستری و وزارت اقتصاد و نخست وزیری تشکیل شده بود، مورد مطالعه و بحث قرار گرفته و هر کدام از این کمیسیونها بسته بترکیب اعضا نظریاتی ابراز داشتند که از مجموع آنها قانون جدید بوجود آمده است. آیا این قانون منظور دولت و محافل اقتصادی را نسبت بساتحکام عملیات شرکتهای و جلوگیری از سوء استفاده و فریب و اغفال مردم تامین می کند یاخیر، قضاوت آن مشکل است. زیرا هیچ قانونی هر قدر هم کامل باشد، نمی تواند از ابتکار کلاه برداران جلوگیری کند و هیچ کشوری تا بحال موفق نشده است، در موضوع شرکتهای سهامی راه سوء استفاده و کلاهبرداری را مسدود کند و شیادان و کلاه برداران با امیدوار ساختن اشخاص ساده لوح به تحصیل منفعت زیاد همواره می توانند بعملیات غیرقانونی خود ادامه دهند و ترس از مجازات کافی برای جلوگیری از عملیات آنها نیست. سوء استفاده های کلانی که از تاسیس شرکتهای سهامی در کشور های

مختلف صورت می گیرد ، گاه بگاہ در روزنامه ها منتشر می شود و افکار عمومی را بر علیه اینگونه شرکتها تهییج می کند . با وجود این اگر منافع تشکیل شرکتها سهامی را با مضار آن مقایسه کنیم ، خواهیم دید که این تأسیس حقوقی که از اواخر قرن هیجدهم معمول شده - است ، به ترقی و توسعه صنایع جدید و تکامل اقتصادی نظام سرمایه داری کمکهای شایان و ذیقیمتی نموده و می توان گفت که شرکتها سهامی امروزه اساس و پایه اقتصاد و صنعت و تجارت را تشکیل می - دهند . حتی در کشورهای سوسیالیستی نیز برای امور اقتصادی اغلب از این روش استفاده می شود .

اینجانب در جلد دوم کتاب حقوق تجارت راجع به شرکتها سهامی مفصلاً بحث نموده و اصول و قواعد مربوط بآنها را توضیح داده - است و در اینجا فقط بذکر تغییراتی که بموجب قانون جدید بعمل آمده است ، اکتفا می شود .

در قانون تجارت ۷۲ ماده اختصاص به شرکتها سهامی داده - شده بود . قانون جدید دارای ۳۰۰ ماده است که مقررات جدیدی راجع به شرکتها سهامی عام و اوراق قرضه پیش بینی نموده و اصلاحاتی در باره مدیریت و بازرسی شرکتها سهامی و طرز تصفیه و انحلال آنها بعمل آورده و مجازاتهای زیادتری برای مدیران و بازرسان در نظر گرفته شده است که ذیلاً بشرح آنها می پردازیم . ولی با وجود تمام کوشش و دقتی که بعمل آمده ، بنظر اینجانب قانون مزبور هنوز دارای نواقصی است و مخصوصاً موارد ابهام و تناقضهایی در این قانون وجود دارد که بامختصر تعمقی ممکن بود ، قبل از تصویب قطعی به رفع آنها اقدام نمود .

### تعریف شرکت سهامی

ماده ۲ قانون اصلاحی تصریح می نماید که شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ، ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد . ولی ماده ۲۳ قانون تجارت که تصریح می نمود ، در اسم شرکت سهامی نام هیچیک از شرکا قید نخواهد شد ، حذف

شده است . علاوه بر آن ماده ۳ قانون اصلاحی حداقل تعداد شرکا را سه نفر معین می کند ، یعنی شرکت سهامی را نمی توان با دو نفر شریك تشكيل داد . بنابراین تشكيل شرکت سهامی که تمام سهام آن متعلق بیک نفر باشد ، طبق این قانون تجویز نشده است . اگر سایر مواد قانون توجه کنیم خواهیم دید که حداقل سه نفر نیز برای تشکیل شرکت سهامی کافی نیست ، زیرا ماده ۱۰۷ مقرر می دارد که هیئت مدیره شرکت سهامی از بین سهامداران انتخاب می شود و ماده ۱۰۱ انتخاب دو نفر ناظر را از بین صاحبان سهام در مجمع عمومی لازم می داند و چون معمولاً نظر مجمع عمومی غیر از اعضای هیئت مدیره شرکت می باشند ، با در نظر گرفتن این موضوع که اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام حداقل ۵ نفر است ، بنابراین حداقل افرادی که می توانند شرکت سهامی عام تشکیل دهند ، ۷ نفر خواهد بود و در مورد شرکت های سهامی خاص چون اداره شرکت بوسیله یک نفر مدیر پیش بینی نشده و هیئت مدیره اقلام مرکب از دو نفر خواهد بود ، بنابراین با در نظر گرفتن دو نفر اعضای هیئت مدیره و دو نفر ناظر جلسات مجمع عمومی حداقل صاحبان سهام نمی توانند از ۴ نفر کمتر باشد ، در صورتی که اگر تعداد صاحبان سهام شرکت های سهامی همانطور که در طرح های بدوی پیش بینی شده بود ، مانند اغلب کشورها ۷ نفر تعیین می شد ، این ابهام از بین می رفت .

**تقسیم شرکت های سهامی به شرکت های عام و شرکت های خاص**  
مهمترین اصلاح قانون شرکت های سهامی تقسیم شرکت های سهامی به عام و خاص می باشد . این تقسیم از حقوق انگلستان پیروی شده که شرکت های سهامی را بشرکت های عمومی (۱) و شرکت های

1) Public Company .

خصوصی (۲) تقسیم کرده است .

بنظر اینجانب عنوان شرکتهای عمومی که با عموم مردم ارتباط دارد و هر کس می تواند سهام آنها را اکتیاع کند و شرکتهای خصوصی که سهام آن متعلق با افراد معینی است که مایل نیستند آنها را برای فروش بعموم عرضه کنند، بهتر بود در حیطه های بدوی همین عنوان شرکتهای عمومی و خصوصی بکار رفته بود که در بعضی مواد بهمین عنوان باقی مانده است .

در طرحهای اولیه که تهیه شده بود ، برای تشکیل شرکتهای سهامی نظارت بیشتری پیش بینی شده بود و تأسیس آن منوط با اجازه هیئتی بود که برای نظارت بر شرکتهای انتخاب می شدند . هیئت مزبور موظف بود راجع به صلاحیت اخلاقی و مالی مؤسسين و اینکه آیا شرکت قادر با انجام عملیاتی که در اساسنامه آن تعیین شده است ، می باشد یا خیر ، بررسی کند و رسماً اجازه تأسیس شرکت را بدهد . در قانون جدید اصولاً هیئت نظارت بر شرکتهای حذف شده و مؤسسين شرکت موظفند مقررات قانون را رعایت کنند . اداره ثبت شرکتهای فقط ناظر بر این است که آیا تأسیس شرکت مطابق مقررات قانون است یا خیر و بهیچ وجه صلاحیت رسیدگی به صلاحیت اخلاقی و مالی مؤسسين و اینکه آیا شرکت قادر با انجام وظایفی که تعیین شده است ، می باشد یا خیر ، ندارد . بنا بر این قانون اصلاحی برای تأسیس شرکتهای سهامی آزادی کامل قایل شده ؛ باین معنی که تأسیس شرکت سهامی ، چه شرکت سهامی عام چه شرکت سهامی خاص ، محتاج به تحصیل هیچگونه اجازه قبلی از طرف مقامات رسمی نیست . امتیازات شرکت سهامی عام بر شرکتهای سهامی خاص عبارتند از :

۱- برای تامین سرمایه خود در موقع تاسیس و برای تامین سرمایه اضافی در موقع افزایش سرمایه می توانند از طریق پذیره- نویسی عمومی سرمایه لازم را تامین کنند .

۲- برای جلب وجوهی که لازم دارند، می توانند مبادرت با انتشار اوراق قرضه نمایند .

۳- سهام آنها ممکن است در بورس مورد معامله قرار گیرد .

شرکت سهامی عام در ایران نادر است و معلوم نیست ، آیا بعد از این مورد استقبال واقع شود . اما از لحاظ امتیازی که وارد شدن سهام شرکتها در بورس اوراق بهادار دارد ، ممکن است عده ای از شرکتهای فعلی وضع خود را با شرکتهای سهامی عام تطبیق دهند . ولی اغلب شرکتهایی که فعلاً در ایران وجود دارند و شرکتهایی که بعداً تاسیس شوند ، بصورت شرکت سهامی خاص خواهند بود .

در مقابل این امتیازات قانون جدید مقرراتی برای پذیره- نویسی سهام آنها وضع نموده تا مردم از تاسیس چنین شرکتهایی مطلع شوند و با اطلاع از موضوع و اساسنامه شرکت و میزان سرمایه آن مبادرت به پذیره نویسی نمایند و اطمینان داشته باشند که اگر شرکت تشکیل نشود ، وجوهی که از این بابت پرداخته اند ، به آنها مسترد می شود . ضمناً مؤسسين شرکت نسبت بکلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تاسیس و تشکیل شرکت انجام می دهند ، مسئولیت تضامنی دارند و قانون آنانرا موظف نموده است که اقلیست درصد سرمایه شرکت را تعهد نمایند . در مورد تاسیس شرکتهای سهامی خاص قانون جدید هیچگونه تغییر قابل ملاحظه ای در مقررات قانون تجارت نداده است .

## سرمایه و سهام

قانون تجارت حداقل سرمایه‌ای برای شرکتهای سهامی پیش بینی ننموده بود، در صورتیکه قانون جدید حداقل سرمایه شرکتهای سهامی عام را پنج میلیون ریال و حداقل سرمایه شرکتهای سهامی خاص را یک میلیون ریال تعیین می‌کند. در قانون جدید حداقل سرمایه‌ای که در بدو تأسیس شرکت باید پرداخت شود، از یک سوم به ۳۵٪ ترقی داده شده و در مورد شرکتهای سهامی عام بقیه سرمایه تعهد شده، حداکثر باید در ظرف ۵ سال پرداخت شود. در مورد شرکتهای سهامی خاص پرداخت بقیه سرمایه تعهدی بموجب مقررات اساسنامه است و در هر حال اگر در پایان مدت مقرر تمام سرمایه شرکت پرداخت نشود، هیئت مدیره موظف است مجمع عمومی شرکت را برای تقلیل سرمایه دعوت کند.

قانون جدید، چه در مورد شرکتهای سهامی عام و چه در مورد شرکتهای سهامی خاص، مقرر داشته است که سرمایه شرکت باید در نزدیکی از بانگها تودیع شود و تا زمانی که شرکت به ثبت نرسیده است، استفاده از وجوه مذکور ممکن نیست. در قانون تجارت اعلام هیئت مدیره مبنی بر اینکه سرمایه شرکت در اختیار اوست، کافی بود. این موضوع گرچه نمی‌تواند مانع سوء استفاده اشخاص برای تشکیل شرکتهای سهامی خاص با سرمایه موهوم گردد. زیرا ممکن است وجوه لازم را برای تودیع در بانگ برای چند روزی قرض نمود. ولی حداقل تضمینی است برای وجود سرمایه در موقع تأسیس شرکت و بهتر از هیچ است.

در مورد سرمایه غیر نقدی قانون جدید تقریباً همان مقررات قانون قدیم را برای تقویم بهای آنها با قدری تغییر پیش بینی ننموده است و گزارش کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را برای تقویم

بهای آورده‌های غیر نقدی لازم دانسته است .

در قسمت سهام قانون جدید فقط بذکر سهام بانام و بی نام اکتفا کرده و نامی هم از سهام ممتاززه برده است . بعلاوه تعریفی که از سهم در ماده ۲۴ شده است ، صحیح بنظر نمی‌رسد (۱) .

بنظر اینجانب لازم بود راجع به سهام مؤسس نیز پیش‌بینی - هایی در این قانون می‌شد . ماده ۲۶ بطور ضمنی صدور اوراق سهامی را که معرف چندین سهم باشند ، تأیید نموده و نکاتی که اجباراً باید در سهم کنجانیده شود ، تصریح کرده است .

ماده ۳۰ صدور ورقه سهم یا گواهی نامه موقت سهام بی نام را تازمانی که تمامی بهای مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده ، منع کرده - است . ولی ماده ۳۴ با اجازه انتقال آنها قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی و مسئول شناختن گیرنده بعدی موضوع تعهد سهام را سست می‌نماید ، زیرا در مواردی که شرکتی در مظان ورشکستگی باشد ، کسانی که تعهد پرداخت بقیه بهای سهام را نموده اند ، خواهند توانست برای فرار از پرداخت تعهد سهام خود را به اشخاص غیر ملی منتقل سازند .

ماده ۳۵ تضمینهای زیاد تری برای اجبار صاحبان سهام به پرداخت مبلغ تعهدی خود پیش‌بینی کرده و خسارت دیر کرد را از فرار نرخ رسمی بهره بعلاوه ۴ درصد در سال تعیین کرده است . این موضوع ممکن است بامقاد ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی که حداکثر خسارت تأخیر تأدیه را بمیزان ۱۲٪ در سال معین کرده - است ، تعارض پیدا کند ؛ ولی بهر حال چون این قانون قانون خاصی است و بعد از قانون آیین دادرسی مدنی تصویب شده است ، مفاد آن قابل اجراست . ضمناً اگر صاحب سهم مبادرت به پرداخت باقیمانده تعهد خود نکند ، شرکت باید سهام مزبور را از طریق بورس یا مزایده (۱) راجع به تعریف سهم و انواع سهام به کتاب حقوق تجارت جلد دوم تألیف نویسنده مراجعه شود .

بفروش برساند . نکته قابل توجه اینست که مقررات ماده ۳۵ بطور آمرانه نوشته شده و شرکت مجبور به رعایت مفاد آنست در صورتی که طبق قانون تجارت این موضوع اختیاری بود . علاوه بر آن ماده ۳۷ صاحبان سهامی را که به تعهد خود عمل ننموده‌اند ، از حق حضور ورأی در مجامع عمومی و حق دریافت سود و منافع دیگری که بسهم تعلق می‌گیرد ، ممنوع می‌سازد .

مقررات مربوط به تبدیل سهام تقریباً همانست که در قانون تجارت نیز پیش‌بینی شده بود .

### اوراق قرضه

اوراق قرضه هم یکی از ابداعات قانون جدید است که در قانون قدیم بهیچوجه پیش‌بینی نشده بود . صدور اوراق قرضه از طرف شرکتهای سهامی تا بحال در ایران سابقه ندارد .

قانون جدید فقط بشرکتهای سهامی عام اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد و در این موضوع نیز اصل آزادی صدور اوراق قرضه در نظر گرفته شده است . در صورتی که در اغلب کشورها صدور اوراق قرضه احتیاج به اجازه مخصوصی از طرف مقامات رسمی دارد . ضمناً مقرراتی که برای تبدیل اوراق قرضه بسهم پیش‌بینی شده است ، قدری پیچیده و در بعضی موارد غیر عملی است . مثلاً ماده ۶۲ مقرر می‌دارد: «افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله يك يا چند بانك یا مؤسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد .» معلوم نیست این پذیره نویسی افزایش سرمایه به چه علت پیش‌بینی شده ، زیرا با افزایش سرمایه شرکت بوسیله پذیره نویسی از طرف بانکها دیگر محلی برای تعویض اوراق قرضه بسهم باقی نمی‌ماند و اگر تصور کنیم که اوراق قرضه را بانکها در مقابل پذیره نویسی خود قبول خواهند کرد ، دیگر تبدیل اوراق قرضه



بسپاه مورد پیدانمی کند. بالاخره اگر صاحبان اوراق قرضه بخواهند اوراق قرضه را بسپاه تبدیل نمایند - زیرا طبق ماده ۶۴ تعویض ورقه قرضه با سپاه تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است، تعهدات بانگها به چه وسیله تأمین خواهد شد؟

### مجمع عمومی

مجامع عمومی در قانون جدید به سه نوع تقسیم شده اند: مجمع عمومی مؤسس، مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده. قانون جدید وظایف هر کدام از این مجامع را تعیین نموده و دعوت مجامع مزبور را به آگهی که در یکی از روزنامه های کثیر - الانتشار که از طرف شرکت تعیین می شود، موقوف نموده است. تعیین روزنامه مخصوصی برای انتشار آگهیهای مربوط به شرکت خیلی مفید است، زیرا صاحبان سهام با مطالعه روزنامه مزبور از آگهیهای مربوط به شرکت مطلع خواهند شد. ضمناً تبصره ماده ۹۷ مقرر می دارد: «در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند، نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.»

قانون جدید حد نصاب حضور صاحبان سهام را در مجامع عمومی فوق العاده در نوبت اول از سه چهارم به نصف تقلیل داده و دعوت مجمع عمومی را برای نوبت دوم تابع تشریفات که در قانون تجارت پیش بینی شده بود، ننموده است. این موضوع از لحاظ تسریع امور شرکت ممکن است، مفید باشد، ولی از لحاظ تأمین منافع اقلیت مضر می باشد. فاصله دعوت مجمع عمومی از تاریخ دعوت بین ۱۰ تا ۲۰ روز تعیین گردیده و در مواردی که هیئت مدیره یا بازرسان به درخواست اقلایک پنجم صاحبان سهام برای دعوت مجمع عمومی ترتیب اثر ندهند، بصاحبان سهام مزبور اجازه داده است، مجمع عمومی را دعوت نمایند. بعلاوه اعلام تنفس در مجامع عمومی و

تشکیل جلسه در تاریخی که دیرتر از دو هفته نباشد، بدون انجام تشریفات دعوت و آگهی صراحة در ماده ۱۰۴ پیش بینی شده است .

ماده ۸۹ پیش بینی نموده است که مجمع عمومی عادی باید سالی يك بار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است، برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال قبل تشکیل شود و ماده ۱۳۸ هیئت مدیره را موظف به دعوت مجمع عمومی نموده و در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی تا ده ماه از تاریخی که در اساسنامه تعیین شده است، ماده ۲۰۱ به هر ذینفعی اجازه می دهد تقاضای انحلال شرکت را بنماید . بالاخره ماده ۲۵۴ اعضای هیئت مدیره که مجمع عمومی سالیانه را تا شش ماه بعد از پایان سال مالی دعوت نکنند، مشمول مجازات دانسته است. ماده ۹۹ حق ورود بجلسه مجمع عمومی را منوط ب ارائه ورقه ورود بجلسه نموده است که بر اساس ارائه سهام قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی بسهامداران تسلیم می شود و ماده ۱۰۱ تعیین رئیس و دو نفر ناظر را که از بین صاحبان سهام تعیین می شوند، در مجامع عمومی پیش بینی نموده است . ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم در شرکت نباشد . بالاخره ماده ۱۰۶ مقرر می دارد که در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور زیر باشد، يك نسخه از صورت جلسه مجمع باید بجهت ثبت بمرجع ثبت شرکتها ارسال گردد :

۱ - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان .

۲ - تصویب ترازنامه .

۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه .

۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن .

### هیئت مدیره

قانون جدید تغییرات کلی در اداره شرکت سهامی بعمل آورده -

است. ماده ۴۸ قانون تجارت مقرر می‌داشت که شرکت سهامی بواسطه يك يا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف اداره می‌شود؛ باین معنی که شرکت سهامی ممکن بود بوسیله يك مدیر یا مدیران متعدد اداره شود. قانون جدید تصریح می‌کند که شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره که از بین صاحبان سهام انتخاب می‌شوند، اداره می‌شود. بنا بر این دیگر نمی‌توان بکنفر مدیر برای شرکت سهامی معین نمود. ولی در صورتی که حداقل عده اعضای هیئت مدیره برای شرکت‌های سهامی عام ۵ نفر تعیین شده، حداقلی برای اعضای هیئت مدیره شرکت‌های سهامی خاص در نظر گرفته نشده است. و باین ترتیب می‌توان استدلال نمود که حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت‌های سهامی خاص دو نفر می‌باشد.

**حداکثر مدت مدیریت** در قانون تجارت ۴ سال تعیین شده بود، ولی قانون جدید حداکثر مدت مدیریت را به دو سال تقلیل داده است. ولی در صورتی که در پایان دو سال هیئت مدیره جدید انتخاب نشود، مدیران را تا تعیین مدیران جدید مسئول امور شرکت قرار داده است. علاوه بر آن ماده ۱۱۰ مقرر می‌دارد که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند بسمت مدیریت شرکت انتخاب شوند، در این صورت نماینده شخص حقوقی در هیئت مدیره شرکت خواهد نمود و نماینده مزبور در هر موقع از طرف شخص حقوقی ممکن است تغییر داده شود، بدون آنکه این تغییر احتیاج به تصویب مجمع عمومی شرکت داشته باشد.

قانون تجارت هیچگونه محدودیتی برای احراز سمت مدیریت شرکت‌های سهامی پیش بینی ننموده بود. در صورتی که در قانون جدید مجبورین ورشکستگان و کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا جنحه های مهم از حقوق اجتماعی محروم شده باشند، نمی‌توانند

بسمت مدیریت شرکت سهامی انتخاب کردند. قانون تجارت در ماده ۵۱ تصریح می نمود که «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.» این ماده در قانون جدید حذف شده، زیرا مدیر شرکت وکیل و نماینده شرکانبست، بلکه وکیل و نماینده شرکت است که شخصیت حقوقی علیحده از شرکا دارد. با حذف این ماده قانون جدید ضمن ماده ۱۱۹ مقرر می دارد که مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. این ماده اصل اختیارات هیئت مدیره را نسبت بقانون تجارت معکوس نموده، زیرا طبق قانون تجارت مدیران شرکت در حکم وکیل محسوب می شدند و مطابق اصول کلی وکالت در صورتی که بعضی از اختیارات مانند حق خرید و فروش، رهن، وکالت در توکیل، سازش، داوری در اساسنامه تصریح نمی شد، مدیران مجاز بانجام عملیات مزبور نبودند. در صورتی که طبق ماده ۱۱۸ جدید مدیران دارای کلیه اختیارات لازم می باشند و اساسنامه و مجامع عمومی نیز نمی توانند اختیارات آنها را در مقابل اشخاص ثالث محدود کنند. در مقابل افزایش اختیارات هیئت مدیره ماده ۱۴۲ مدیر و مدیر عامل شرکت را در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت بتخلف از مقررات قانون یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول قرار داده است. بعلاوه ماده ۱۴۳ مقرر می دارد که در صورتی که شرکت ورشکسته شود، یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه

دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیتدار می‌تواند بتقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت بنحوی از انحنا معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً بتأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید. این ماده خیلی لازم و مفید است و از قوانین جدیدی که در سایر کشورها تصویب شده، اقتباس شده؛ ولی بعقیده اینجانب کافی برای منظور نیست، زیرا در قوانین جدید مانند قانون جدید شرکتها در فرانسه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل تازمانی که ثابت نگردند که امور شرکت را مطابق مقررات قانونی و با حسن نیت اداره کرده‌اند، مسئول پرداخت دیون شرکت می‌باشند. بنا بر این اصل مسئولیت مدیران است، مگر آنکه خلاف آن ثابت نمایند. در صورتی که طبق ماده ۱۱۸ اصل برائت مدیران است، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد.

بالاخره در قسمت مربوط به مقررات جزایی مجازاتهای سنگینی برای هر یک از تخلفات مدیران پیش‌بینی شده است.

ضمناً باید در نظر داشت که عدم محدودیت اختیارات هیئت مدیره شامل اختیارات مدیر عامل نیست و ماده ۱۲۵ تصریح می‌کند که مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره با و تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد. بنا بر این مدیر عامل شرکت سهامی دارای اختیارات نامحدود نیست و در هر مورد باید به تصمیمات هیئت مدیره مراجعه شود.

ماده ۱۲۴ مقرر می‌دارد که مدیر عامل شرکت جز با تصویب سه چهارم آرا حاضر در مجمع عمومی نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره باشد. گویا این ماده برای این تنظیم شده که همواره رئیس هیئت مدیره با اعمال مدیر عامل نظارت کند. در صورتی که

اغلب قوانین تعیین شخصی واحداً بسمت رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل تجویز کرده اند. ماده ۱۲۶ مقرر می دارد که هیچکس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. این تحدید فوق العاده سنگین است و مخصوصاً درباره شرکتهای فرعی که از طرف شرکتهای بزرگ تأسیس می شود، باعث اشکالی می گردد.

**ماده ۱۲۹ معاملات اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل را با شرکت منوط بتصویب هیئت مدیره می نماید -** در قانون تجارت این اجازه بامجمع عمومی بود -، منتهی هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله که اجازه آن داده شده، بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را در باره چنین معامله بهمان مجمع تقدیم کند.

**ماده ۱۳۲ مدیر عامل شرکت و اعضای هیئت مدیره را از گرفتن هر گونه وام یا اعتبار از شرکت منع می نماید و شرکت نمی تواند، دیون آنان را تضمین کند.** این ماده برای جلوگیری از سوء استفاده مدیران از اموال شرکت تنظیم گردیده است. بهمین ترتیب برای **جلوگیری از رقابت نامشروع و سوء استفاده مدیران ماده ۱۳۳** مقرر می دارد که مدیران و مدیران عامل نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند.

**بطور کلی مقررات قانون جدید درباره هیئت مدیره شرکتهای سهامی خیلی بهتر و جامعتر از مقررات قانون تجارت می باشد.**

### بازرسان

قانون تجارت در مورد بازرسان خیلی به اختصار بر گزار کرده بود و باینجهت سمت بازرس در شرکتهای سهامی صورت تشریفاتی

داشت. قانون جدید مقررات جامعتر و کاملتری برای بازرسان شرکت های سهامی پیش بینی نموده و در مورد شرکتهای سهام مقرر داشته است که بازرسان از بین بازرسان رسمی که مطابق آیین نامه - ای که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب مجلسین تصویب خواهد شد، تعیین خواهند گردید.

بازرسان مانند اعضای هیئت مدیره نباید محجور بوده یا محکومیت جنایی یا جنحه بزرگ داشته باشند و از اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم نباشند و همچنین خود یا همسرشان حقوق بگیر از مدیران یا مدیران عامل نباشند.

هر شرکت سهامی باید حداقل دارای یک بازرس و یک بازرس علی البدل باشد تا در صورت معذوریت بازرس بتواند بامور شرکت رسیدگی کند و در صورتی که بازرسی تعیین نشود یا نتواند بامور شرکت رسیدگی کند، بتقاضای هر ذینفع دادگاه شهرستان می تواند بازرسی برای شرکت معین کند.

بازرس موظف است در گزارش خود در باره صحت و درستی تر از نامه و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی می گذارند، اظهار نظر کند و چنانچه مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام بگذارند، بازرس باید مجمع عمومی را از آن آگاه سازد و همچنین اطمینان حاصل کند که حقوق صاحبان سهام بطور یکسان رعایت شده است. علاوه بر آن بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری را که از طرف مدیران و مدیر عامل در امور شرکت مشاهده کنند، با اولین مجمع عمومی گزارش دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند، بمرجع

قضای صلاحیتدار نیز جرم مزبور را اعلام نمایند. تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت بدون دریافت گزارش بازرس از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۵۴ بازرسان را در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، برای جبران خسارات وارده مسئول می‌شناسند و مانند مدیران شرکت بازرسان نیز نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا بحساب شرکت انجام می‌گیرد، بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع گردد. با در نظر گرفتن مفاد ماده ۲۵۹ مدیران موظفند، بازرسان شرکت را بمجامع عمومی دعوت کنند.

### تغییرات در سرمایه شرکت

قانون جدید امکان افزایش سرمایه شرکتهای سهامی را به طرز زیر پیش بینی نموده است:

- ۱- پرداخت نقدی مبلغ اضافه سرمایه.
- ۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده بسهم جدید.
- ۳- تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از ارزش سهام جدید بسرمایه شرکت.
- ۴- تبدیل اوراق قرضه بسهم.

ماده ۱۶۰ اجازه داده است که سهام جدید به بهای اسمی با بهای زیاد تر از مبلغ اسمی بفروش برسد، ولی فروش سهام جدید را بمبلغی کمتر از بهای اسمی اجازه نداده است. طبق ماده ۱۶۵ مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تادیه نشده است، افزایش سرمایه شرکت مجاز نیست و ماده ۱۶۶ حق تقدم صاحبان سهام شرکت را برای خرید سهام جدید محفوظ می‌دارد، ولی بمجمع عمومی فوق العاده اجازه می‌دهد، این حق تقدم را از صاحبان سهام سلب کند. تصمیم را جمع به افزایش سرمایه شرکت باید در روزنامه



کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط بشرکت در آن نشر می‌گردد ، با اطلاع صاحبان سهام برسد و مهلتی برای صاحبان سهام منظور شود تا بتوانند در آن مدت پذیره نویسی سهام جدید را بنمایند .

در مورد شرکت‌های سهامی عام تقریباً همان مقرراتی که برای پذیره نویسی سرمایه پیش‌بینی شده است ، باید در نظر گرفته شود . علاوه بر آن اطلاعات کاملی مربوط بامور شرکت در اعلامیه پذیره نویسی ذکر می‌گردد و آخرین ترازنامه شرکت نیز باید ضمیمه اعلامیه پذیره نویسی گردد ، در صورتی که برای ثبت افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه بضمیمه مدارک مربوط کافی است .

در مورد افزایش سرمایه از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده یا انتقال سود تقسیم نشده و اندوخته‌ها یا تبدیل اوراق قرضه قانون جدید مقرراتی پیش‌بینی نموده است تا از افزایش سرمایه موهوم جلوگیری شود .

قانون جدید علاوه بر مواردی که تقلیل سرمایه را اجباری دانسته است ، مانند تقلیل سرمایه شرکت در صورتی که زیانهای حاصله از نصف سرمایه شرکت تجاوز کند و در موردی که باقیمانده سرمایه در موعد مقرر در اساسنامه مطالبه نشود ، بمجمع عمومی صاحبان سهام اجازه داده است در هر موقع سرمایه شرکت را تقلیل دهد . ولی برای آنکه منافع طلبکاران و دارندگان اوراق قرضه تأمین شود ، حق اعتراض را برای این اشخاص محفوظ داشته است و در صورت وارد بودن اعتراض آنها طلب آنها حال شده تلقی می‌شود و دادگاه می‌تواند شرکت را محکوم به پرداخت مطالبات آنها نماید . کاهش سرمایه شرکت نیز باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی - های شرکت در آن نشر می‌شود ، آگهی گردد .

## انحلال و تصفیه شرکتهای سهامی

قانون جدید علاوه بر مواردی که برای انحلال در قانون تجارت ذکر شده بود، انحلال شرکت سهامی را بوسیله حکم دادگاه نیز پیش بینی کرده است. طبق ماده ۲۰۱ در موارد زیر هر ذینفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

۱- در صورتی که تایک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت های شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالیانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سال های مالی تاد ماه از تاریخی که اساسنامه معین نموده است، تشکیل نشده باشد.

۳- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴- در مواردی که انجام موضوع شرکت غیر ممکن شده باشد، یا موضوع شرکت انجام شده باشد و یا اینکه مدت شرکت منقضی شده باشد و مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت انحلال شرکت تشکیل نشود یا رأی با انحلال شرکت ندهد.

قانون جدید برای تصفیه امور شرکتهای سهامی مقررات بیشتری در نظر گرفته و ماده ۲۰۸ تصریح می کند که تا پایان امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط بتصفیه باقی خواهد ماند. امر تصفیه امور شرکت با مدیران شرکت است، مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ترتیب دیگری مقرر دارد. قانون با اجازه تعیین مدیر یا مدیران تصفیه تعیین یکنفر را بسمت مدیر تصفیه تجویز کرده، ولی هیچگونه شرط وقیدی برای

احراز سمت مدیر تصفیه قایل نشده است. بنا بر این هر کسی ولو آنکه محکومیت جنایی هم داشته باشد، ممکن است بسمت مدیر تصفیه انتخاب گردد. در صورتی که مدیر تصفیه تعیین نشود، یا مدیر تصفیه وظایف خود را انجام ندهد، بتقاضای هر ذینفع داد گاه می تواند مدیر تصفیه را تعیین نماید. مدت مأموریت مدیر تصفیه محدود به ۲ سال است و چنانچه ظرف مدت مزبور تصفیه امور شرکت خاتمه نپذیرد، مجمع عمومی باید برای تجدید انتخاب مدیر تصفیه یا تعیین مدیر تصفیه جدید تشکیل شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها باید در روزنامه رسمی، روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن نشر می گردد، آگهی گردد. اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه نیز مانند اختیارات هیئت مدیره شرکت بطور نامحدود بوده و محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن اعلام شده است. مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است، مدیران تصفیه مکلفند همه ساله مجمع عمومی صاحبان سهام را دعوت نمایند و ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره را باضمم گزارش عملیات خود بتصویب مجمع برسانند.

تعیین بازرس در مدت تصفیه اجباری نیست، ولی اساسنامه یا مجمع عمومی می تواند يك یا چند ناظر معین نماید که همان وظایف بازرس را انجام خواهند داد. تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام ممکن نیست، مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلا سه مرتبه و هر مرتبه بفاصله يك ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار که آگهیهای مربوط بشرکت در آن نشر می شود، آگهی گردد.

ماده ۲۲۷ مقرر می دارد که مدیران تصفیه مکلفند ظرف يك ماه پس از ختم تصفیه مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت

رسیده آگهی گردد و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتي حذف گردد .

### حسابهای شرکت

قانون جدید مواد مخصوصی برای حسابهای شرکت پیش بینی نموده است که بیشتر جنبه کلی دارد و تعاریفی که قانون از سود قابل تقسیم یا طرز استهلاك هزینه های تاسیس نموده است ، دقیق نیست و ممکن است از لحاظ مالیاتی اشکالاتی برای شرکتها فراهم کند . تراز نامه و حساب سود و زیان شرکت های سهامی عام باید قبل از تصویب از طرف حسابداران رسمی رسیدگی گردد . در صورتی که در مورد شرکت های سهامی خاص رسیدگی بازرس شرکت کافی است . ماده ۲۴۱ سهم هیئت مدیره را از منافع سالانه در شرکت های سهامی عام محدود به ۰.۵٪ و در شرکت های سهامی خاص محدود به ۱۰ درصد نموده است و ماده ۹۰ تقسیم حداقل ده درصد سود سالانه را بین صاحبان سهام اجباری نموده است .

### مقررات جزایی

قانون جدید مقررات جزایی بسیاری برای مؤسسين و مدیران و بازرسان شرکت های سهامی پیش بینی نموده تا حتی المقدور بوسیله مجازات از سوء استفاده در این شرکتها جلوگیری بعمل آید . ولی مواد مزبور خوب تنظیم نشده و در بعضی موارد با یکدیگر تناقض دارند . مثلاً برای صادر کردن سهام بینام قبل از پرداخت شدن تمام مبلغ اسمی در ماده ۲۴۳ مجازات آن سه ماه تا دو سال حبس تادیبی یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات تعیین شده و در ماده ۲۴۶ برای همین عمل سه ماه تا یک سال حبس تادیبی یا جزای نقدی از ۵۰ هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا بهر دو مجازات قید گردیده است . مجازات های قانون جدید را برای

مدیران ، بازرسان و اشخاص دیگر بشرح زیر می توان خلاصه نمود :

الف - در شرکتهای سهامی اشخاص زیر اعم از مدیران ، بازرسان ، مؤسسين و اشخاص دیگر مشمول مقررات جزایی می - شوند :

- ۱ - تصدیق پذیره نویسی سهام برخلاف واقع .
- ۲ - قید مبلغ پرداخت شده سهم بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است .
- ۳ - خود داری از اعلام تمام یا قسمتی از مطالبی که طبق مقررات این قانون باید بمرجع ثبت شرکتهای اعلام شود و اعلام مطالب خلاف واقع بمرجع مزبور .
- ۴ - صدور سهام یا قطعات سهام قبل از ثبت رسیدن شرکت .
- ۵ - صدور سهام یا قطعات سهام بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و حداقل پرداخت ۳۵٪ آن یا عدم تحویل کلیه سرمایه غیر نقدی .
- ۶ - صدور سهام بینام یا گواهینامه موقت سهام بینام قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهام .
- ۷ - صدور سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی آن .
- ۸ - صدور سهام با نام قبل از پرداخت حداقل ۳۵٪ مبلغ اسمی آن .
- ۹ - هر کس عالماً در عملیات بالا شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید ، بر حسب مورد بمجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد .
- ۱۰ - صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار

اوراق قرضه متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص .  
۱۱ - هر کس عالماً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات  
مجامع عمومی صاحبان سهام بشود .

۱۲ - هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات  
سهم معرفی نماید و باین طریق در اخذ رأی در مجمع  
عمومی شخصاً یا بوسیله نماینده شرکت نماید .

**ب - در موارد زیر مدیران شرکت مشمول مقررات جزایی  
می شوند :**

۱ - عدم مطالبه مبلغ اسمی سهام شرکت در مهلت مقرر یا  
عدم دعوت مجمع عمومی دو ماه قبل از پایان مهلت مزبور  
برای تقلیل سرمایه .

۲ - صدور اوراق قرضه قبل از پرداخت کلیه سرمایه .

۳ - صدور اوراق قرضه قبل از تایید کلیه سرمایه شرکت و  
تصویب دو ترازنامه شرکت در مجمع عمومی .

۴ - صدور اوراق قرضه بدون پیش بینی آن در اساسنامه یا  
تصویب مجمع عمومی فوق العاده .

۵ - عدم قید نکات مندرج در ماده ۶۰ در اوراق قرضه .

۶ - عدم دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه تا شش ماه پس از  
پایان هر سال و عدم تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان  
و گزارش عملیات شرکت در موعد مقرر .

۷ - عدم تنظیم صورت صاحبان سهام حاضر در مجمع عمومی .

۸ - تقسیم منافع موهوم (بدون صورت دارایی و ترازنامه یا  
باستناد دارایی و ترازنامه مزور) .

۹ - ارائه یا انتشار ترازنامه غیر واقع بمنظور پنهان داشتن  
وضعیت واقعی شرکت بصاحبان سهام .

- ۱۰ - استفاده از اموال یا اعتبارات شرکت برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که مدیران بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند .
- ۱۱ - استفاده با سوء نیت از اختیارات برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که مدیران بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند .
- ۱۲ - عدم دعوت مجمع عمومی متعمداً برای انتخاب بازرسان .
- ۱۳ - عدم دعوت بازرسان بمجمع عمومی صاحبان سهام .
- ۱۴ - عالماً مانع شدن یا اخلال انجام وظایف بازرسان .
- ۱۵ - عدم ارائه اسناد و مدارکی که برای انجام وظایف بازرسان لازم است .
- ۱۶ - صدور سهام یا قطعات سهام قبل از ثبت رسیدن شرکت یا ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت .
- ۱۷ - عدم رعایت حق تقدم صاحبان سهام در مورد افزایش سرمایه .
- ۱۸ - عدم رعایت حقوق دارندگان اوراق قرضه در موقع صدور اوراق قرضه جدید یا استهلاك سرمایه یا تقسیم اندوخته ها یا تغییر در نحوه تقسیم منافع .
- ۱۹ - گزارش اطلاعات نادرست به مجمع عمومی بمنظور سلب حق تقدم صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید .
- ۲۰ - عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام در مورد تقلیل سرمایه .
- ۲۱ - عدم تسلیم پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل ۴۵

روز قبل از تشکیل مجمع عمومی .

۲۲ - عدم انتشار تصمیم مجمع عمومی دایر بکاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیر-الانتشاری که آگهیهای مربوط بشرکت در آن نشر می گردد .

۲۳ - عدم دعوت مجمع عمومی فوق العاده در ظرف دو ماه در صورت ازین رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت .

ج - در موارد زیر هیئت رئیسه مجامع عمومی مشمول مقررات جزایی می شوند :

۱ - عدم تنظیم صورت جلسه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی .

۲ - عدم رعایت مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .

د - در موارد زیر بازرسان شرکت مشمول مقررات جزایی می شوند :

۱ - قبول سمت بازرسی در شرکتهای سهامی عالمماً با وجود منع قانونی .

۲ - دادن اطلاعات خلاف حقیقت راجع باوضاع شرکت به مجمع عمومی یا تصدیق اینگونه اطلاعات عالمماً .

ه - در موارد زیر مدیران تصفیه مشمول مقررات جزایی می شوند :

۱ - عدم اعلام نام و نشانی خود به مرجع ثبت شرکتهادر ظرف یک ماه پس از انتخاب .

۲ - عدم دعوت مجمع عمومی تا شش ماه پس از شروع امر تصفیه برای دادن گزارش .

۳ - ادامه مأموریت خود در خاتمه دوره تصدی بدون تمدید



- مدت مدیریت از طرف مجمع عمومی .
- ۴ - عدم اعلام ختم تصفیه بمرجع ثبت شرکتهای در ظرف يك ماه از تاریخ ختم تصفیه .
- ۵ - عدم دعوت مجمع عمومی سالیانه در صورتی که امر تصفیه پایان نیافته باشد .
- ۶ - عدم تودیع وجوه باقیمانده پس از ختم تصفیه در حساب مخصوصی در بانك و تسلیم صورت بستانکاران و صاحبان سهامی که حقوق خود را استیفا نکرده اند و آگهی آن .
- ۷ - استفاده از اموال یا اعتبارات شرکت برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که مدیران تصفیه بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند .
- ۸ - انتقال دارایی شرکت کلاً « یا بعضاً » بمدير یا مدیران تصفیه یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم .
- ۹ - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد نادیبه آن نرسیده است .

#### مقررات مختلف

در صورتی که مقررات قانونی برای تشکیل شرکتهای سهامی یا تصمیمات متخذة رعایت نشود ، هر ذینفعی می تواند از دادگاه تقاضای ابطال آنها را بنماید ، بدون آنکه مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت بتوانند در مقابل اشخاص ثالث باین بطلان استناد نمایند . ولی قانون در اغلب موارد پیش بینی نموده است که چنانچه در رفع موجبات بطلان قبل از صدور حکم دادگاه اقدام شود ، دادگاه از صدور حکم بطلان خودداری خواهد نمود .

ماده ۲۷۶ مقرر می‌دارد که شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت بهزینه خود اقدام دعوی نمایند و این تنها موردی است که برای حفظ حقوق اقلیت مقرراتی در قانون پیش‌بینی شده است.

موارد دیگری در این قسمت برای **طرز تبدیل شرکتهای سهامی خاص به شرکتهای سهامی عام** پیش‌بینی شده.

ماده: ۲۸۴ شرکتهای سهامی مکلفند در ظرف سه سال از تاریخ اجرای قانون جدید وضع خود را بامقررات قانون جدید تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت در آیند. ماده ۲۹۷ رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکتی را که مجامع عمومی عادی یا فوق العاده را برای این منظور دعوت نکنند، مشمول جریمه از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال دانسته و آنانرا مسئول جبران خساراتی می‌داند که بر اثر انحلال شرکت بصاحبان سهام یا اشخاص ثالث وارد شود. تا هنگامی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون در مدت سه سال وضع خود را بامقررات جدید تطبیق نداده‌اند، تابع مقررات مربوط به شرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت می‌باشند.

بالاخره ماده ۳۰۰ قانون جدید مقرر می‌دارد که شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین تأسیس و اساسنامه های آنها ذکر نشده، تابع مقررات این قانون می‌شوند.